

عدالت در اقتصاد اسلامی

دکتر شمس‌الدین ربیعی

در اسلام، تولید مال و ثروت و مبادله و مصرف تحریم و تحقیر نشده، بلکه اسراف، تبذیر، تضییع مال و ثروت‌پرستی مورد مذمت و نکوهش قرار گرفته است، و حتی دفاع از مال در حکم جهاد است و کشته‌شده در این راه نیز در حکم شهید تلقی می‌شود. از سوی دیگر، یکی از اصلی‌ترین اهداف و محورها در خلقت انسان از نظر اسلام، استقرار عدالت است و مکتب تشیع هم عدالت را در تمامی جریان‌های اجتماعی و سیاسی بسط داده است، به نحوی که امام باید عادل باشد، گواه باید عدالت را رعایت کند، حاکم باید عادل باشد، و سرانجام انسان باید عادل باشد تا بتواند نسبت به برپایی قسط اقدام کند.

معنای عدل و ظلم

عدل را به صورت تساوی و نفی هرگونه تبعیض معنی می‌کنند. بنابراین عدالت، یعنی رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی و رعایت حقوق افراد و اعطاکردن به هر ذیحق حق او را. از سوی دیگر، ظلم عبارتست از پایمال کردن حقوق و تجاوز و تصرف در حقوق دیگران به تعبیر مولوی:

عدل چپود؟ وضع اندر موضعش

ظلم چپود؟ وضع در ناموضعش

عدل چپود؟ آب ده اشجار را

ظلم چپود؟ آب دادن خار را

پیوند اسلام با اقتصاد

اسلام با اقتصاد دوگونه پیوند دارد: مستقیم و

غیرمستقیم. پیوند مستقیم آن براساس وضع یک سلسله مقررات اقتصادی درباره مالکیت، مبادلات، مالیات، ارث، مباحات، صدقات، وقف، مجازات‌های مالی و غیره می‌باشد. و پیوند غیرمستقیم آن با اقتصاد هم از طریق اخلاق است. اسلام مردم را توصیه می‌کند به امانت‌داری، عفت، حکمت، عدالت، وفای به عهد، احسان، ایثار، منع دزدی، منع خیانت و رشوه. به عبارت دیگر، نقش انسان‌سازی و تربیت انسان‌ها از جنبه فرهنگی، پیوند غیرمستقیم اسلام با اقتصاد است.

جایگاه عدل در اسلام

براساس قرآن، نظام هستی و آفرینش بر عدل و توازن و براساس استعدادها و قابلیت‌ها استوار است. در قرآن، از توحید تا معاد و از نبوت تا امامت و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل و براساس آموزش‌های انبیا استوار شده است تا اجتماعی موزون و متعادل (نه بی‌تناسب) برپا باشد. عدل هم از اسامی خداوند است و هم از جمله صفات انسانی و پرتوی از صفت حق است. عدل از صفات نیکو و پسندیده براساس فطرت الهی انسانی است.

اسلام از عدالت نه تنها به عنوان یک حسنه اخلاقی، بلکه به عنوان یک اصل اجتماعی بزرگ یاد می‌کند.

قسط

در قرآن، به قسط و قسطاس اشارات فراوانی شده است. قسط جزئی‌تر و محدودتر از عدل است. به عبارت دیگر، قسط، عدل تعیین‌یافته است و بیشتر در مسایل اجتماعی محسوس است. انسان از جهت حمل بار امانت، مامور به اقامه قسط شده و در قیامت اعمالش براساس قسط مورد سنجش و قضاوت قرار می‌گیرد. قسط را می‌توان به عدل توأم با احسان و رحمت هم تعبیر کرد.

سیاست فقرزدایی در رأس راهکارهای

استقرار قسط و عدل و حق در جامعه اسلامی

قرار گرفته است.

جایگاه عدالت در اقتصاد اسلامی

روح کلی عدالت اسلامی و جایگاه آن را با بهره‌گیری از آیات قرآن، سنت پیامبر(ص) و عملکرد حضرت امیر(ع) می‌توان پیگیری کرد. وقتی که مهاجرین با انصار بیمان اخوت و برادری بستند، انصار ثروت‌های خود را با مهاجرین تقسیم کردند. آنان درواقع، لذت‌های مادی را به لذت‌های روحانی و معنوی تبدیل کردند و شکاف طبقاتی را به برادری و برابری مبدل کردند، یعنی توزیع عادلانه ثروت موجب شد که ریشه‌های نفرت، حسد، بخل، تکبر، خشم، حرص و طمع و فخرفروشی و منیت‌ها در عمل به

توانمند در سطح کشور با اختصاص سهم مناسبی از تولید ناخالص داخلی و به‌کارگیری دانشمندان.

۵- کنترل قیمت عوامل تولید و توزیع براساس عدالت در یک نظام توحیدی.

۶- حذف ربا از مبادلات تجاری جامعه، آن هم نه لفظاً، بلکه عملاً.

۷- کنترل تورم در حد صفر.

۸- کنترل نقدینگی و جلوگیری از

سوءاستفاده دولت و عوامل سیاسی از

منابع و سپرده‌های مردم در جهت اهداف

فردی و گروهی و سیاسی و جلوگیری از

پرداخت اعتبارات تکلیفی سیاسی.

۹- اصلاح قوه قضاییه در جهت آشنایی با مبنای

اجرای عدالت و در جهت حرکت به سوی جامعه مبتنی

بر عدالت و جامعه توحیدی.

۱۰- برقراری عدالت در نظام توزیع امکانات بین

نقاط شهری و روستایی.

۱۱- برخوردارکردن مردم، یعنی ایجاد قسط و

عدالت اجتماعی.

در پایان لازم به ذکر است که در ساختار نوین

جهانی، یعنی در شرایط حاکمیت پول و دموکراسی به

شکل غربی آن، قیمت‌ها براساس عرضه و تقاضا

تعیین می‌شود و تکلیف‌ها روشن است، اما در

جامعه اسلامی چطور؟ آیا در نظام اسلامی هم باید

قیمت کالاها را نرخ عرضه و تقاضا تعیین کند یا

نرخ عدل؟ و نرخ عادلانه ارز را چگونه باید تعیین

کنیم؟ آیا قیمت تعادلی باید براساس نرخ عدل باشد یا

براساس حاکمیت شرکت‌های انحصاری؟ و به‌طورکلی،

ساختار قیمت کالاها و دستمزدها چگونه باید تعیین

شود؟ در یک نظام اسلامی، آیا سیاست‌های

پولی و مالی باید پشتیبان یکدیگر و دارای وحدت

توحیدی باشند یا خیر؟ آیا بانک مرکزی که در یک

نظام غربی برای جلوگیری از سوءاستفاده احزاب

حاکم، به صورتی مستقل از دولت طراحی می‌شود،

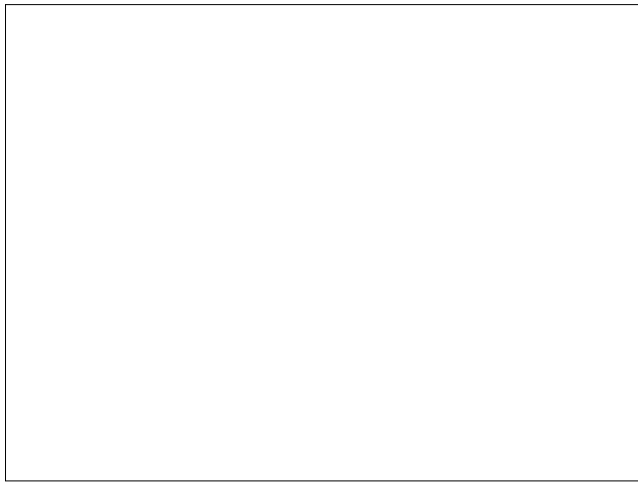
در یک نظام توحیدی نیز باید مستقل از دولت

باشد؟

پاسخگویی صحیح به اینگونه پرسش‌ها،

زمینه‌های نظری لازم برای تعبیه پایه‌های عدالت در

اقتصاد اسلامی را فراهم خواهد ساخت. ■



② منابع طبیعی ثروت، همه از آن خداست.

مخدر، رباخواری، فحشا، فساد و بیکاری و

بیماری‌های اجتماعی به‌وجود می‌آید و موجب هلاک

اخلاقی و اجتماعی جامعه می‌شود.

راهکارهای تحقق عدالت

برای ایجاد عدالت، می‌توان به توسعه و آبادانی و

به تبع آن به استقرار سیستم مالیاتی سالم و تخفیف

مالیات به آسیب‌دیدگان همت گماشت. همچنین

رعایت مساوات و همه مردم را به یک چشم نگاه‌کردن

و مردم را به شهروند درجه یک و دو تقسیم‌نکردن،

اجرای حدود نسبت به نزدیک و دور، تقسیم بیت‌المال

به عدالت و مساوات در میان مردم، ساده‌زیستی

مسوولان، به‌کارگیری الگوی قناعت و پارسایی از

توصیه‌های یک نظام اسلامی مبتنی بر عدالت است.

سیاست فقرزدایی هم در رأس راهکارهای استقرار

قسط و عدل و حق در جامعه اسلامی قرار گرفته است.

دیگر راهکارهای اجرایی را نیز می‌توان به شرح زیر

برشمرد:

۱- تصویب قوانین براساس معیارهای علمی

مبتنی بر اعتقادات و ساختن یک جامعه توحیدی که

لازمه آن داشتن قوه مقننه آگاه به مسایل علمی روز،

منطقه و جهان است، یعنی انتخاب نمایندگان که از

سواد لازم و تقوای کافی برخوردار باشند.

۲- ایجاد نظام اداری مبتنی بر عشق، خدمت به

مردم، شایسته‌سالاری علمی و تقوا.

۳- تنظیم نرخ ارز برای مبادله کالاها، براساس

نرخ عدل، نه براساس نرخ کسری بودجه دولت!

۴- ایجاد دانشگاه‌های قوی و موسسات پژوهشی

عشق، ایثار، آرامش، دوستی و زیبایی

تبدیل شود. آنان نه تنها خود بیدار شدند،

بلکه جامعه جهانی را نیز با الگوی عدالت

و علم الهی بیدار کردند. بدین ترتیب

اقتصاد و عدالت ابزارهایی شدند برای

تشکیل جامعه‌ای مبتنی بر صلح،

دوستی، عشق، انفاق و ایثار، و لذا برابری

و برادری شکل گرفت، و ربا و رشوه و

احتکار و وابستگی‌ها رخت‌بربست.

از دیدگاه قرآن، تحصیل روزی و

درآمد حلال، با استقرار عدالت اجتماعی و

برپایی قسط در زمین و در جامعه بشری

توسط مردم، براساس نفی روح اشرافیت

مبتنی بر ثروت‌پرستی محقق می‌شود. از

نظر اسلام، عدل اساس روابط یک زندگی سالم است و

سزای ایمان را اجرای عدالت می‌داند. لذا عدالت

اجتماعی را ایجاد شرایط برای همه به‌طور یکسان و

دفع موانع برای همه به‌طور یکسان می‌داند. اسلام از

عدالت نه تنها به عنوان یک حسنه اخلاقی، بلکه به

عنوان یک اصل اجتماعی بزرگ یاد می‌کند، زیرا

مردمان جز در پرتو عدل به سامانی شایسته از لحاظ

اخلاقی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی دست

نمی‌یابند.

نرخ ارز باید براساس نرخ عدل تعیین شود، نه براساس نرخ کسری بودجه دولت!

شهید محمدباقر صدر معتقد است که منابع

طبیعی ثروت، همه از آن خداست و دولت اسلامی باید

توازن اجتماعی را آنگونه حفظ کند که از انباشته‌شدن

ثروت و عدم‌جریان آن در دست همه آحاد ناس

جلوگیری شود. لذا در اسلام به وظایف دولت و مردم در

زمینه رعایت حقوق همدیگر براساس عدالت و حق

تاکید می‌شود و خوشبختی یک جامعه را در خوشبختی

جمع و فرد هر دو جستجو می‌کند. استکبار اقتصادی،

ستم ستمگران و گرسنگی ستم‌دیدگان، عقل و

معیشت عقلی را در جامعه می‌میراند و یک طبقه

مترف و غرق در نعمت را در میان توده کثیری از مردم

به‌وجود می‌آورد، و به دنبال آن هم آسیب‌های

اجتماعی از قبیل گسترش اجحاف، کشتار، دزدی،

بی‌رحمی، ستم، فقر اقتصادی و سیاسی، گسترش مواد